

این بار

بیمارستان مسیح گرمانشاه*

نیوشا طیبی گیلانی

روزنامه‌نگار و پادکستر



روز و شبی به سر نمی‌آید که خبر ناخوشی از تخریب‌های سراسری در طبیعت، میراث معماری و تاریخی، منابع و زیستگاه‌ها به گوش نرسد. در تهران صدها ساختمان و بناهایی که وجود و مالکیت‌شان دیگر تنها صورت مادی و شخصی نداشت و بسیاری از این اماکن که جایی در حافظه جمعی داشتند و به صورت جزئی از داری معنوی مردم درآمده بودند، در پای دستگاه حرص و آز «بسا و بفروشی» قربانی شدند. فدا کردن همه چیز به پای پول و ستاندن هویت و زودن ارزش و پیوند شهر با گذشته و شناسنامه‌اش نتیجه این تخریب‌ها بود. پروژه نوسازی و مدرنیزاسیون شهر تهران که از اولین سال‌های قرن چهاردهم هجری شمسی آغاز شد، لطامت جبران‌ناپذیری به هویت بصری و شناسنامه و تاریخ این شهر زد. این تخریب محدود به تهران نبود و در دیگر شهرهای بزرگ ایران هم به پهنانه نوسازی، ابنیه و کالبد قدیمی شهرها به کلی نابود شدند.

این تغییر و تحول نه به زیبایی چشم‌انداز و رفاه شهرها انجامید، نه در رابطه مردم با شهرها گشایشی به وجود آورد. نتیجه معماری بی‌هویت و فاقد ارزش و زیبایی، بیگانه شدن مردم از شهرهایشان و احساس عدم مسئولیت در قبال آنها بود. شهروندان تا با شهر خود رابطه‌ای عاطفی و نزدیک پیدا نکنند، نه ملاحظه‌ای درباره آن دارند و نه لازم می‌دانند که در مراقبت جمعی از شهرشان اقدامی کنند. اطاعت از قوانین و به‌جا آوردن وظایف شهری به حداقل ممکن می‌رسد.

شهر مانند لباس، پوشش و کالبدی کشیده‌شده بر جمعیت انسانی ساکنش دیده می‌شود. از فاصله‌ای دور ما ساکنین شهر را نمی‌بینیم، بلکه جداره و نمای کلی به ما می‌گوید که لایحه عده‌ای در آن ساکن هستند. ظاهر شهر به ما قضاوتی هم می‌دهد. شهرهای زشت در درون خود فقر و آسیب‌های اجتماعی و تخطی از قوانین و آلودگی فراوان دارند. شهرهای زیبا و پاکیزه که شناسنامه و هویت تاریخی و فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند، همیشه وضعیت بهتری از هر جهت برای ساکنان‌شان فراهم می‌آورند. ساکنان این شهرها در قبال آن احساس مسئولیت دارند، در اداره‌اش مشارکت می‌کنند و دوستش دارند. قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، نگاه کلی و عموماً به امور شهری، لج‌بازی با اهالی و تلاش برای تغییر هویت و چهره شهرها با زور و گردن کشی، نتیجه‌ای جز دل‌زدگی بیش از پیش شهروندان و لاجرم بی‌اعتنایی به امور و تخطی از قوانین و آلودن بیشتر آن ندارد. شهرداری‌ها نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های شهری، آن را با توسعه‌ای پایدار و مبتنی بر حفظ هویت و زودن آلودگی‌ها و حفاظت از محیط‌زیست طبیعی و قانون‌مند کردن زیست شهری اداره کنند. البته که اداره کردن به معنی نشستن بر مسند مدیریت، امر و نهی کردن، تسخر زدن و تهدید کردن منتقدان نیست.

اداره امور شهر یعنی ارتقای سطح کیفی زیست شهری. توأم با توسعه شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، یعنی حفظ و تثبیت امور هویتی مانند معماری و آداب و رسوم و البسه و سفره و توجه به این نکته که شهروندان از نسل‌ها قبل پیوندی عاطفی با تأسیسات، امکانات و بدنه شهرها، دکان‌ها و محل‌های تفریح و تجمع داشته‌اند. فرمان تخریب این اماکن، موجب گسست عاطفی شدیدی می‌شود که کمتر از پیامدش همان بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی و عاقبتش گسستن از شهر است.

مدیریت شهری در تمام سال‌های پیشین از گذشته تا امروز به‌جز دوره‌هایی کوتاه - بیش از آنکه بر نوسازی و بازسازی و حفظ هویت تأکید کند و مدرنیزاسیون شهر را در قالب ارتقای سطح کیفی زیست شهروندان در نظر بگیرد، همیشه آسان‌ترین راه را برای رهایی از دست ساختمان‌های قدیمی و کسب درآمد انتخاب کرده است. تخریب و برپا داشتن بنایی بی‌ارتباط، ناهمگون و برخلاف شیوه زیست شهری منطقه، همواره آسان‌ترین انتخاب بوده. نمونه‌اش تخریب عمارت تلگراف‌خانه و برداشتن حجم غول‌آسای زشت و ناهمگون وزارت پست (سابق) در جوار گوهری چون کاخ گلستان. نمونه دیگرش تخریب گسترده باغ‌های شمیران و خانه‌های با هویت معماری خاص آن منطقه و ساختن ده‌ها «شاپینگ مال» ریز و درشت که ظاهری زشت و ناهمگون با شهر تهران دارند.

*بیمارستان مسیح گرمانشاه با حدود ۱۱۰ سال قدمت تخریب شد.



جنگ بقا و فرمول قهرمانی

لیگ برتر فوتبال ایران در حالی به هفته پایانی رسید که تکلیف قهرمان و یکی از دو تیم سقوط‌کننده هنوز مشخص نشده است



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

سه‌شنبه‌شب مسابقات هفته بیست‌ونهم لیگ برتر فوتبال ایران برگزار شد که با پیروزی پرسپولیس و استقلال مقابل رقیبای خود، صدر جدول دستخوش تغییرات خاصی نشد. پرسپولیس صدرنشین ماند و استقلال نیز با یک امتیاز کمتر جایگاه دوم را برای خودش تثبیت کرد. طبق روال دو، سه هفته اخیر اما بازم نشست‌های خبری مریبان با چالش‌های بسیاری همراه شد. «کنایه زدن» حرف اول را در نشست خبری برخی مریبان می‌زند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. از سوسوی دیگر قعر جدول و جنگ بقا همچنان ادامه پیدا کرد با این تفاوت که صنعت نفت آبادان با شکست مقابل ذوب‌آهن سقوطش به دسته پایین‌تر قطعی شد تا دیگر آبادان در لیگ برتر نماینده نداشته باشد. اما رقابت برای بقا بین سه‌تیم همچنان ادامه دارد و کار به هفته پایانی کشیده شده است. در این گزارش احتمالات قهرمانی پرسپولیس و استقلال، همچنین شرایط بقا و سقوط یک تیم دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

استقلال؛ ۶ دقیقه در صدر

شاگردان جواد نکونام که در این فصل بیش از ۱۵ هفته در صدر جدول بودند به‌یکباره و با یک لغزش بدموقع در هفته بیست‌وهشتم مقابل نساجی قائم‌شهر، صدر را به رقیب دیرینه خود یعنی پرسپولیس واگذار کردند. از آن مسابقه به‌بعد کادرفنی استقلال به‌جای تمرکز روی دو مسابقه باقیمانده سعی کرد با حضور در نشست‌های خبری و دعوت از خبرنگاران در تمرین استقلال جنگ روانی عجیبی را علیه پرسپولیس راه بیاندازد. جواد نکونام که قبلاً به‌صورت کدنویسی شده علیه پرسپولیس کنایه می‌زد، در این دو هفته به‌صورت علنی اتهامات عجیب و غیرقابل‌تصور را به ارکان فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال، همچنین باشگاه پرسپولیس می‌زند. با وجودی که نکونام طی هفت روز اخیر دوباره به کمیته انضباطی احضار شده اما مشخص نیست خروجی این احضارها چه بوده است. چراکه با چنین ادبیاتی قطعاً فضای فوتبال به‌سمت خشونت پیش از حد خواهد رفت. نکونام بعد از پیروزی مقابل گل‌گهر سیرجان نیز ترجیح داد به‌جای صحبت در خصوص مباحث فنی، در مورد پرسپولیس و ناحقی‌ای که در حق استقلال شده صحبت کند. او بازم صحبت‌های گذشته را تکرار کرد و گفت: «قهرمان واقعی لیگ برتر استقلال است. همه دیدند تیم من چطور گل‌گهر را شکست داد و پرسپولیس چطور از سد این تیم عبور کرده بود. اگر من نبودم استقلال را خورده بودند به همین دلیل ایستادم و تا آخرین لحظه از تیم خودم دفاع خواهم کرد. صدرنشین واقعی لیگ ما هستیم، نه پرسپولیس. در واقع ما صدر را از دست ندادم بلکه صدر جدول را از ما گرفتند». موضع هواداران استقلال اما با صحبت‌های نکونام زمین تا آسمان تفاوت دارد. بسیاری از هواداران استقلال در پایان این مسابقه به انتقاد از توجه‌های همیشگی و خسته‌کننده نکونام پرداختند و گفتند که این سبک بازی که اصطلاحاً بزین زیرش لقب می‌گیرد، در شأن باشگاه بزرگ استقلال نیست.

پرسپولیس توقف‌ناپذیر

شاگردان اوسمار ویرا قصد ندارند متوقف شوند تا جام قهرمانی را بالای سر ببرند. این تیم که فصل گذشته در ۷ مسابقه آخر به برتری رسید تا قهرمانی را از آن خود کند، در این فصل نیز همان روند را در

پیش گرفته است. این بار شاگردان اوسمار از ۸ مسابقه اخیر صاحب برد و فقط یک تساوی شده‌اند و همین بردهای پیاپی است که باعث شد صدر را بعد از هفته‌ها از استقلال پس بگیرند. پرسپولیس در سه هفته اخیر ۹ بار دروازه رقیب را باز کرده است و همین خط‌آتش سرخپوشان با گلزنی‌های عیسی آل‌کثیر و اوستون اوروف نقطه اتکای اوسمار است که توانسته بردهای پیاپی را کسب کند. اوسمار در نشست‌های خبری نیز سعی کرده رویکرد کاملاً مخالف ادبیات نکونام را پیش بگیرد. اوسمار می‌گوید، اصلاً با قضاوت داور حتی اگر به ضرر تیمش سوت بزند کاری ندارد و در خصوص تیم‌های دیگر و مریبان تیم‌ها صحبتی نمی‌کند، چون چنین مسائلی در کنترل او نیست که بخواید زمانش را هدر بدهد. پرسپولیس سه‌شنبه‌شب مقابل شمس‌آذر قزوین در دقیقه ۵۲، گل اول را دریافت کرد تا کار به تساوی کشیده شود اما خیلی زود مسعود ریگی اشتباهش را روی گل نخست شمس‌آذر جبران کرد و با یک شوت تماشایی گل دوم و برتری پرسپولیس را زد. در ثانیه‌های پایانی این دیدار نیز مهدی ترابی از اشتباه دروازه‌بان شمس‌آذر استفاده کرد تا گل سوم پرسپولیس وارد دروازه حریف شود. با این پیروزی پرسپولیس بار دیگر در صدر جدول ماند تا در هفته پایانی تقابلی حساس با مس رفسنجان در ورزشگاه آزادی داشته باشد تا در صورت پیروزی در این دیدار جشن قهرمانی را برگزار کرده باشد.

شرایط سخت بقا

در قعر جدول اما شرایط همچنان پیچیده است. پیکان در دیداری حساس و تماشایی با حساب دو بر دو مقابل فولاد خوزستان در فولاد آرنا متوقف شد تا با ۲۷ امتیاز بالاتر از فولاد ۲۶ امتیازی امیدوار به بقا در لیگ برتر باشد. نکته حائز اهمیت این است که پیکان در هفته پایانی باید در ورزشگاه بدون تماشاگر پاس‌قوامین به مصاف استقلال‌لی برود که در کورس قهرمانی است. از سوی دیگر فولاد خوزستان ۲۶ امتیازی باید در قائم‌شهر به مصاف نساجی برود که با پیروزی عجیب ۵ بر صفر مقابل هوادار، حکم بقای خود در لیگ برتر را امضا کرد. نساجی حالا ۲۹ امتیازی است و قطعاً در لیگ برتر خواهد ماند. از سوی دیگر استقلال خوزستان که در هفته پایانی موتور گلزنی‌اش شروع شده، موفق شد در دیداری جذاب و تماشایی با حساب سه بر دو از سد مس رفسنجان با هدایت محرم نوبختا عبور کند تا حالا با ۲۵ امتیاز شانس زیادی برای بقا در لیگ برتر داشته باشد. استقلال خوزستان در هفته پایانی با تیم بی‌انگیزه هوادار مصاف خواهد کرد و اگر نتواند این تیم را شکست دهد و پیکان مقابل استقلال شکست بخورد این تیم اهوازی در لیگ برتر می‌ماند و شاگردان عیانتی به دسته پایین‌تر سقوط می‌کنند. البته سقوط پیکان به دسته پایین‌تر منوط به شکست فولاد خوزستان مقابل نساجی است.

قهرمان چطور تعیین می‌شود؟

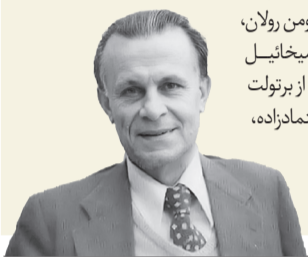
در صورتی که پرسپولیس مقابل مس به برتری برسد، فارغ از نتیجه استقلال مقابل پیکان، سرخپوشان تهرانی جام قهرمانی را بالای سر می‌برند. اما اگر پرسپولیس مقابل مس شکست بخورد و استقلال با حداقل گل از سد پیکان عبور کند، باید تفاضل گل مورد بررسی قرار بگیرد چراکه قانون اخیر فوتبال ایران می‌گوید تفاضل گل ملاک قهرمانی تیم‌هاست؛ در صورتی که دو تیم در یک امتیاز مساوی شوند. از سوی دیگر اگر پرسپولیس مقابل مس شکست بخورد و استقلال پیروز شود، شاگردان نکونام قهرمان لیگ برتر خواهند شد و مشخص نیست در صورت رخداد چنین اتفاقی، نکونام و دستیارانش چطور می‌خواهند این همه اتهامی که به تیم‌های دیگر زدن را پس بگیرند یا توجیه کنند.

چهره

سالروز درگذشت مترجم کهنه کار

محمود اعتمادزاده (به‌آذین) در سال ۱۲۹۳ در رشت به دنیا آمد و آموزش ابتدایی و متوسطه را در شهرهای رشت، مشهد و سپس تهران پشت سر گذاشت. او در سال ۱۳۱۱ جزو دانشجویان اعزامی ایران به فرانسه بود و تا دی ماه ۱۳۱۷ در فرانسه ماند و از دانشکده مهندسی دریایی پرست و دانشکده مهندسی ساختمان دریایی در پاریس گواهینامه گرفت. به‌آذین با چاپ داستان‌های بی‌شمار و ترجمه‌های بالارزی از آثار مشهور جهانی از برجسته‌ترین چهره‌های ادبیات معاصر محسوب می‌شود. به‌آذین در عرصه روزنامه‌نگاری نیز فعال بود و در سال‌های پیش از انقلاب مدتی سردبیری «پیام نوین» و «کتاب هفته» را برعهده داشت. به‌آذین به همراه جلال آل‌احمد در سال ۱۳۴۷ بنیان کانون نویسندگان ایران را بنا نهاد. از جمله ترجمه‌های او می‌توان به «بابا گوربو»، «زنبق دره»، «رم ساگری» و «دختر عموت» از آونوره دو بالزاک، «اتللو» و «هملت» از شکسپیر، «ژان کریستف» و «جان شیفته» از رومن رولان، «دن آرام» و «زمین نوآباد» از میخائیل شولوخوف، «استتتا و قاعده» از برتولت برشت و... اشاره کرد. محمود اعتمادزاده،

دهم خردادماه ۱۳۸۵ در ۹۲ سالگی درگذشت.



کتابخانه

شرحی خواندنی از پروژه فکری خاص ژیزک

کتاب «ژیزک و الهیات»، نوشته آدام کوتسکو با ترجمه امیررضا گللابی در ۲۲۴ صفحه و با قیمت ۲۴۰ هزار تومان توسط انتشارات نی منتشر شد. این کتاب با شرح‌های معمول بر آثار اسلامی ژیزک فرقی جالب و اساسی دارد. شرح آدام کوتسکو فرار و فرود اندیشه ژیزک را از مسیری نامعقول دنبال می‌کند. به عقیده کوتسکو، هم‌زمان با افزایش اقبال به آثار ژیزک نشانه‌های چرخشی به سوی الهیات در آراه او مشاهده می‌شود و این چرخش در خصوص متفکری ماتریالیست چون او موضوعی قابل توجه است. به‌همین دلیل گرچه این کتاب برای مجموعه‌ای عام تحت‌عنوان «فلسفه و الهیات» نوشته شده، شرحی خواندنی از پروژه فکری خاص ژیزک به‌عنوان فیلسوف ماتریالیست که الهیات یکی از عناصر فلسفه اوست ارائه می‌کند. خواننده کتاب ابتدا با مفاهیم اصلی ژیزک که عموماً برگرفته از روانکاوی لکانی هستند آشنا می‌شود و این آشنایی با معرفی روش فلسفی ژیزک که عمدتاً ملهم از فلسفه هگل است تکمیل می‌شود. نویسنده این اثر کوشیده است از دل مواجهه نامعقول فیلسوف ماتریالیست با الهیات راهی برای نوسازی مضامین کهن الهیاتی باز کند.



ژیزک و الهیات

نویسنده:

آدام کوتسکو

مترجم:

امیررضا گللابی

انتشارات:

نی

تاریخ

اعاده طلب طلای ایران از شوروی



۱۰ خردادماه ۱۳۳۴ دولت شوروی پس از سال‌ها مذاکره، ۱۱ تن طلای متعلق به ایران را که از هنگام جنگ جهانی دوم بود، به ایران تحویل داد. دلیل طلب این بود که با حضور

نیروهای متفقین، در بانک ملی ایران دو حساب جداگانه ارزی برای دلار آمریکا و پوند انگلیس افتتاح شد تا آن‌ها از خود را به این حساب واریز کنند و در مقابل از ایران ریال بگیرند و آذوقه بخرند. روس‌ها نیز می‌خواستند حساب ارزی بر مبنای روبل باز کنند ولی دولت ایران روبل شوروی را قبول نداشت، چون بسیار ضعیف بود. در نهایت قرار شد روس‌ها که طلای زیادی داشتند (زیرا مقدار زیادی طلای خاندان تزار را مصادره و به شمش تبدیل کرده بودند) به‌ازای ریالی که می‌گیرند به ایران طلا تحویل بدهند. پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، بدهی روس‌ها به ایران به ۱۱ تن طلا رسید اما آن‌ها علاوه بر اینکه طلب ایران را نمی‌پرداختند، از تخلیه کشور نیز امتناع داشتند. بعدتر نیز با دولت مصدق برای این امر همکاری نکردند تا اینکه در نهایت این طلب در دوران دولت زاهدی پرداخت شد.